

کد خبر : 6323

تاریخ خبر : دوشنبه، 11 خرداد 1388

مروری تاریخی بر دیدگاه‌های اصلی‌ترین حامی کنونی نخست وزیر دهه 60 هاشمی رفسنجانی: اداره زندگی مردم در دولت موسوی به بدترین نوع بود

- حجت الاسلام و المسلمین اکبر هاشمی رفسنجانی: مسئله دیگر مسئله فساد اداری است که در بعضی از ادارات، بعضی از افراد برای مردم مزاحمت‌هایی بوجود می‌آورند (2/2/68)
- من یک بار در جلسه‌ای گفتم ما الان پانصد میلیارد تومان طرح نیمه کاره داریم؛ می‌دانید پانصد میلیارد تومان تقریباً 8 برابر بودجه امسال ماست که اینها همه در این برنامه باید تکمیل شود. ماندن اینها خیانت است (18/9/68)
- اگر بنا بود عدالت اجتماعی را این‌چو در این 10 سال درست بکنیم در این 10 سال درست کرده بودیم (18/9/68)
- این فساد را چه کسی قبول دارد. ما چای شمال را ارزان می‌خریدیم، نه چایکار سود می‌برد و نه کارخانه‌چای خشک کنی سود می‌برد، بلکه همه ضرر می‌کردند. نتیجه آن این شد که حدود 10 هزار هکتار از اراضی با ارزش چایکاری ما از مدار خارج شد و بنا شد که چای وارد کنیم (22/4/70)
- ما دچار یک تمرکز کمرشکن اداری شده بودیم که به خاطر سهمیه‌ای کردن کالا و انحصاری کردن صادرات و واردات و ... بود (19/5/70)

گزارش ویژه « ایران » از عملکرد نخست وزیر دهه 60

میرحسین موسوی

از زبان هاشمی رفسنجانی

هاشمی در تاریخ 8/7/68 : شیوه اداره زندگی مردم توسط دولت موسوی بدترین نوع است

شبکه ایران (inn.ir) - با نزدیک شدن به روز برگزاری انتخابات دهمین دوره ریاست جمهوری، مردم جدی تر از قبل به دنبال انتخاب نامزد مورد علاقه خود هستند. ارزیابی و مقایسه دیدگاه ها و برنامه کاندیداها برای اداره کشور یکی از اصلی ترین روش‌های شناسایی کاندیدای برگزیده است . اما در شرایط فعلی که کمتر به بیان برنامه، استراتژی و سیاست ها و اولویت ها پرداخته می شود، برای شناخت برخی کاندیداها راهی جز بررسی عملکرد و کارنامه کاری ایشان باقی نمی ماند. گزارشی که پیش رو دارید، بخشی از سخنرانی‌های حجت‌الاسلام والمسلمین اکبرهاشمی رفسنجانی در خطبه‌های نماز جمعه سالهای 68، 69 و 70 است. ایشان در این سخنرانی‌ها با ارزیابی و نقد عملکرد دولت میرحسین موسوی، مشکلات به ارث رسیده از این دولت را تشریح کرده است. مشکلاتی که غالباً مردم خوب ما در آن دوران سخت با صف‌های طولی برای گرفتن کالاهای کوپنی، استفاده از گوشت‌های یخی، فقدان مواد اولیه برای کارخانه‌ها، کمبود دارو، وجود پزشکان هندی و بنگلادشی، کمبود قطعات یدکی و فرسودگی ماشین‌آلات کارخانه‌ها، قطع مکرر برق، نبود آب لوله‌کشی در روستاها، فقدان گاز لوله‌کشی در بسیاری از مناطق شهری و روستایی، از بین رفتن تولیدات کشاورزی به علت نبود شبکه صحیح حمل و نقل و توزیع، استقراض از بانک‌های خارجی، پائین بودن امید به زندگی و بسیاری از طرح‌های نیمه تمام و... در خاطرهمشان ثبت کرده‌اند. از آنجا که اولاً

به عنوان یک رسانه فراگیر وظیفه داریم زمینه حضور پرشور مردم شریف ایران را در انتخابات آینده فراهم آوریم و نیز به سؤالات متعدد مخاطبان گرامی درخصوص نامزدها پاسخ دهیم و ثانیاً اگر خود رأساً وارد این ارزیابی می‌شدیم، این شائبه پیش می‌آمد که خدای ناکرده از موضع بی‌طرفی خارج شویم، مناسب دیدیم بدون هیچ پیش داوری، توانمندی وضعیت و شرایط دولت جناب آقای مهندس موسوی را که 20 سال از کار اجرایی کلان فاصله گرفته بودند، از زبان آقای هاشمی رفسنجانی که اینک حامی جدی ایشان هستند، در دسترس خوانندگان محترم قرار دهیم. تمامی مطالب منتشر شده در این گزارش از روزنامه جمهوری اسلامی استخراج شده است.

1- فساد اداری

ما چند تا مسئله عمده داریم که من در اینجا به آنها اشاره خواهم کرد: یکی همین مسئله سوء توزیع و گرانی است یکی مسئله سوء اخلاق بخشی از انسان‌هاست، بد حجابها و آن افرادی که اخلاق اسلامی را مراعات نمی‌کنند و یکی هم همین مسئله سیاسی است که از بیرون دائماً برای کشور ما مسئله می‌سازند. مسئله دیگر مسئله فساد اداری است که در بعضی از ادارات بعضی از افراد برای مردم مزاحمت‌هایی بوجود می‌آورند و ما اگر در مسیر حرکتمان اگر چرخ‌های تولید راه افتاد، اگر استفاده از منابع آن طوری که شایسته است انجام شد، اگر همه کارها را درست کردیم چنانچه این مسائلمان را حل نکنیم باز نمی‌توانیم به جایی برسیم. اگر این فساد اخلاق موجود باشد جامعه ما آن جامعه ایده‌آل اسلامی نمی‌تواند باشد.

2/2/1368

2- مشکل تعزیرات

مشکلاتی که ما در باب مالیات داشتیم و یا در خیلی از ابواب دیگر مانند تعزیرات که یک مشکل جدی در مسیر قانونگذاری و اداره کشور ما شده بود که ایشان (امام) به راحتی حل کردند. شما اجازه بدهید که من دیگر داخل جزئیات نروم چون شما اینطور چیزها را به اندازه کافی می‌دانید.

20/3/1368

3- بی برنامه‌گی

ما قبلاً برنامه نداشتیم الان برنامه پنج ساله ما دارد آماده می‌شود که داشتن برنامه خودش تکلیف خیلی چیزها را روشن می‌کند. آینده روشن می‌شود، خطوط مشخص است. معلوم است ما به کجا می‌خواهیم برسیم، مسئولان تکلیف خودشان را می‌دانند دوباره کاری‌ها نمی‌شود و خیلی از ریخت و پاش‌ها را نخواهیم داشت و چیزهای دیگری را هم که قبلاً داشتیم الان از آن برخورداریم.

14/5/1368

4- مدیریت غلط

این شیوه‌ای که الان دولت دارد زندگی مردم را اداره می‌کند، این بدترین نوع اداره مردم است.

8/7/1368

5- بی عدالتی

شیوه توزیع درست نیست همین که هست هم درست توزیع نمی‌شود یعنی مردم یک عده‌ای به هر دلیلی به آسانی به اینها می‌رسند و یک عده‌ای هم نمی‌رسند. یعنی آن چیزهایی که دولت کوپنی کرده خوب به هر حال دیر یا زود به دست مردم می‌رسد اما اینکه کوپن نیست، عادلانه بدست مردم نمی‌رسد. این هم اشکالاتی در سیستم توزیع است برای اینکه خوب بنا نبود اینجوری شود این یک چیز موقتی بوده که تنظیم شده که باید بعداً برگردد به عرضه و تقاضا و از شبکه‌های توزیع معمولی به بازار برود و

مردم بتوانند به طور عادی بروند و بخرند و این فسادها نباشد. اما این واقعیت وجود دارد که این شکل توزیع الان هست و یک نوع بی عدالتی از این طریق به مردم تحمیل می‌شود.

8/7/1368

6- خطر نقدینگی

نقدینگی بسیار زیادی الان در دست مردم است این مقدار پولی که ما در دست مردم داریم این خودش یک خطر جدی است برای اقتصاد کشور، علتش هم این است که این پولها در دوران جنگ خرج تولید نمی‌شد یا در جنگ مصرف می‌شد که برمی‌گشته دوباره در بازار و در دست مردم یا می‌رفتیم کالای خارجی می‌خریدیم.

8/7/1368

7- تعطیلی طرحها

الان همه طرح‌های مهم شما مانده است بدلیل اینکه اجباری ندارند چرا که پولهایشان را گرفته و رفته‌اند این شیوه یک شیوه جاهلانه ای برای اداره یک کشور است.

18/9/1368

8- تاراج اموال کشور

الان ما در دریا هر مقدار که نفت استخراج می‌کنیم، گازهای آن را داریم می‌سوزانیم و مخازن مشترکی که با آن طرفی‌ها داریم آنها دارند، می‌برند و از ما هرز می‌رود این ثمره این فکر انقلابی است که بعضی از آقایان دارند خیال می‌کنند که انقلابی است و واقعاً این انقلابی است که ما اموال کشور را اینجوری به تاراج بدهیم؟

18/9/1368

9- تورم

من یک بار در جلسه‌ای گفتم ما الان پانصد میلیارد تومان طرح نیمه کاره داریم می‌دانید پانصد میلیارد تومان تقریباً 8 برابر بودجه امسال ماست که اینها همه در این برنامه باید تکمیل شود. ماندن اینها خیانت است همانطور که ماندن آنها باعث خسارت شده است. سال به سال گران‌تر می‌شوند. تورم مال اینهاست اصل تورم را شما اینجا ببینید که ما اینقدر سرمایه‌گذاری بدون نتیجه کردیم.

18/9/1368

10- وضعیت بغرنج

از عقلای قوم هم آنهایی که فکر اقتصادی داشتند به من می‌گفتند تو اصلاً وارد این ماجرا نشو چرا که این‌کار به این زودی درست شدنی نیست اصلاً مایوس بودند حالا رفقای داخل همین مجلس هستند. مثلاً می‌گفتند تو برای انقلاب چهره فرهنگی و چنین و چنان هستی، آنجا می‌روی امید مردم نقش بر آب شده و خراب می‌شود این کار را نکن یک کس دیگری این کار را انجام بدهد. یعنی واقعاً کسانی که محاسبه می‌کردند حضور مرا در این مقطع برای این جامعه عاقلانه نمی‌دانستند.

18/9/1368

11- بی عدالتی

با این قوانینی که ما گذراندیم ما مردم را اینجوری می‌خواهیم اداره کنیم؟ آنوقت نتیجه‌اش هم این می‌شود که دلالتها و آن بحث دیگری که یکی از برادران می‌کردند ایشان صحبت‌های ظاهر الصلاحی نمی‌کردند عدالت اجتماعی می‌خواهند، مشکلات مردم را هم می‌خواهند حل شود. چنین قوانینی همین وضع را بوجود می‌آورد یعنی نه عدالت اجتماعی را برقرار می‌سازد و نه مشکلات مردم را حل می‌کند. اگر بنا بود عدالت اجتماعی را اینجور درست بکنیم در این 10 سال درست کرده بودیم شما همه قبول دارید.

18/9/1368

12- نابودی استعدادها

این که در کشور ما کارهای تجاری، دلالی، واسطه‌گری بخش عظیمی از استعدادهای خود را می‌بلعد و کارهای اجرایی مؤثر، مفید و تولیدی و پر افتخار متولی ندارد و کسی دنبال آن نمی‌رود، بدترین مرضی است که ما دچار آن هستیم.

27/8/1368

13- ترویج تنبلی

در حال حاضر دو میلیون افغانی در ایران هستند و کار نیز می‌کنند و بعضی از کارفرماها از بین یک کارگر ایرانی و یک کارگر افغانی، کارگر افغانی را انتخاب می‌کنند زیرا او اینگونه کارها را بهتر انجام می‌دهد اما کارگر ما اینگونه فکر و عمل نمی‌کند این طرز تفکر غلط و کشنده است و بنیه اقتصادی کشور را به هم می‌زند البته شاید دلایل دیگر از قبیل مزد و شرایط مناسب داشته باشد ما باید شرایط کار را به گونه ای درست کنیم که از لحاظ فرهنگی شرایط زیستی و همه اینها مناسب باشد. البته همه تقصیرها را نمی‌خواهم به گردن آنها بیندازد می‌خواهم بگویم، فرهنگ کار و تلاش در کشور ما نیست دین ما اینگونه به ما نمی‌گوید.

27/8/1368

14- اقتصاد مریض

بحث این است که شرافت و کرامت کار باید در جامعه ما جا بیفتد اگر اینطور شد کارهای انگلی و خیالی و کاذب در کشور ما از بین می‌رود. اقتصاد در کشور ما مریض است. همه مشکلات در نرفتن به دنبال کار تولیدی پیچ و خم در کارهای اجرایی نیست ولی آن فرهنگ غلط آنها را می‌کشاند به انجام این قبیل کارها.

27/8/1368

15- کارمندان کج فکر

من به‌عنوان مسئول اجرایی کشور و رئیس جمهور منتخب شما می‌گویم سیاست دولت شما بر این است که امکانات کشور، زمین، آب، معدن، صنعت و هرچه امکانی در این کشور هست را در اختیار مردم بگذارد. برای اینکه مردم موجودی و امکانات و سرمایه شان را صرف آبادی کشور کنند. البته ممکن است در جریان کار هنوز ما با مأموران کج فکر و منحرف و تنگ نظر و نادان مواجه باشیم که در راه کار مزاحمت ایجاد کنند.

23/10/1368

16- رقم زشت

کاری که تا به حال شد، نتیجه این شده که ما الان نسبت باسواد و بی‌سوادمان اینطوری است که 7/66 درصد مردم باسوادند و 3/23 درصد مردم بیسوادند که این خیلی رقم زشتی است. برای دین و جامعه‌ای که موظف شده که از گهواره تا گور به دنبال دانش باشد.

و اگر در چین هم علم را پیدا می‌کند باید برود و بگیرد و بیاورد واقعاً اصلاً چهره اسلامی ما را این زشت می‌کند که ما هنوز هم البته کار بزرگی است که ما رقم را از 47 درصد رسانده باشیم به 67 درصد و مخصوصاً در مورد خانمها که اول انقلاب 40 درصدشان فقط باسواد بودند و 60 درصد بیسواد بودند آن نسبت هم اصلاح شده و هنوز هم نسبت نامعقول است.

18/1/1369

17- جامعه فقیرتر

مشکل عمده اقتصاد ما در پایین بودن تولید ناخالص ملی بود تولید در کشور، عدم سرمایه‌گذاری و به کار گرفته نشدن نیروها در شرایط بسیار نامطلوبی بود و روند نزولی هم داشت و اصولاً تعریف فقر و غنای یک جامعه همین جا است. اگر تولید ناخالص

بیشتر باشد و سرانه به اندازه مصرفشان تولید کنند و یا بیشتر، جامعه سالم است اگر تولید کمتر از مصرف باشد جامعه فقیر است و هر مقدار کمتر، جامعه فقیرتر. حالا اگر توزیع هم ناسالم شد، یعنی همین تولید کم عادلانه پخش نشده این فقر در آن بخش که کمتر می‌برند بسیار شدیدتر خواهد شد. ما چگونه شرایطی را داریم، تولید که کم می‌شود در نتیجه تحمیل می‌شود بر بودجه دولت یعنی دولت پولی پخش می‌کند برای مخارج مردم، وقتی که خرج‌های دیگر هم تحمیل شده باشد در مقابل چیزی ندارد که پول را از مردم پس بگیرد. پول می‌دهد اما این پول بر نمی‌گردد. اگر ما تولید داشته باشیم و تولیدات را به فروش برسانیم برای مردم هر چه پول مصرف می‌کنیم با تولیدات خود پول را از مردم برمی‌گردانیم این یک جریان سالم اقتصادی می‌شود.

ولی اگر تولید نباشد پول می‌ریزیم بر نمی‌گردد پول زیاد که در دست مردم می‌ماند یک بلا بدتری است. این پول‌ها مدام برای خرید به بازار می‌آید و چون جنس نیست فروشنده‌ها هم مدام قیمت را بالا می‌برند برای چیزی که باید 10 تومان بگیرند 30 تومان می‌گیرند آنها که نمی‌توانند درآمد داشته باشند مجبورند فقیر باشند و کم بخورند آنها که فقیر نیستند خودشان را منطبق می‌کنند پس در اثر نبودن تولید، بودجه دولت کم می‌شود که کسر بودجه از بدبختی‌های هر دولت و ملت است کسر بودجه دولت مستلزم تورم و گرانی می‌شود، گرانی نتیجه کسر بودجه است کسر بودجه نتیجه کمی تولید است و فقر عمومی محصول همه اینها است. دولت در گذشته برای اینکه جلوی فقر عمومی را بگیرد یک مسکن را اجباراً به کار برده که ما هم هنوز به کار می‌بریم و آن سوبسید است. یعنی آن موجودی‌های دولت را که از منابع طبیعی مردم برمی‌داریم مانند نفت آن را به صورت ارزان یا مفت در اختیار مردم فقیر قرار می‌دهند به خاطر اینکه مقداری از مشکلات را بپوشاند.

مردم نمی‌توانند نان به قیمت عرضه و تقاضا بخرند. مردم نمی‌توانند آب، برق، گاز و نفت، حمل و نقل، دارو، بیمارستان و شیر و این قبیل کالاهای اساسی را به دلیل فقیر بودن عموم به قیمت عرضه و تقاضا خریداری نمایند و پولی که در اختیار دولت قرار دارد در واقع همان پول مردم می‌باشد، از همان پول اقدام به تهیه وسایل و ضروریات زندگی مردم به طور مجانی می‌نماید. البته خود این مسئله به دلیل اینکه به جای سرمایه‌گذاری در جهت افزایش توان اقتصادی، اقدام به مصرف از سرمایه می‌نمود نیز عوارض ناگواری را در پی دارد. از همین رو کشور با یک شرایط نامطلوب و غیرمفیدی مواجه شده بود.

3/6/1369

18- بلای نقدینگی

ما برای اینکه این بلای نقدینگی را از دست مردم خارج کنیم که به عنوان یک اهرم بسیار خطرناک و شیطنانی محسوب می‌شود و هم می‌تواند خطر مهلکی برای نظام به شمار آید با امکانات خودمان به دنبال راه حل گشتیم. یعنی در جامعه ما نرخ تورم به طور نامعلومی رو به افزایش بود که سعی نمودیم این رشد سرسام آور را به نصف کاهش دهیم البته هنوز روند آن رو به رشد است.

3/6/1369

19- کسر بودجه

ما در سال 65 ، 5/1449 میلیارد ریال کسر بودجه داشته‌ایم. یعنی رقمی حدود 150 میلیارد تومان از زمانی که لایحه بودجه را از مجلس گذرانده‌ایم با این میزان کسر بودجه مواجه بوده‌ایم. سال 1366 از 1375 میلیارد ریال کسر بودجه و در سال 67 از 4021 میلیارد ریال یعنی چیزی حدود 200 میلیارد تومان کسر بودجه برخوردار بوده است.

در سال 68 تا نیمه همان سال که ما قبول مسئولیت کردیم همین روند تداوم داشت.

3/6/1369

20- تورم اسکناس

در ظرف این چند سال سیاست چاپ اسکناس ما بدین شکل بوده که البته چاپ اسکناس در کشور یک امر طبیعی است یعنی در هر سال در حد تورم اسکناس منتشر می‌شود و هیچ اشکالی ندارد اما وقتی نرخ تورم افزایش می‌یابد و نقدینگی روبه افزایش می‌باشد و دولت هم با کسری بودجه مواجه باشد دائماً به امر انتشار اسکناس مشغول می‌شوند که این وضع، چندان مثبت و

مفید نخواهد بود.

3/6/1369

21- نرخ تورم

در خصوص نرخ تورم اکنون نرخ تورم مهار شده است نه این که نرخ آن به صفر رسیده باشد. چون هنوز قیمت بسیاری از اجناس ما روند رو به افزایش دارد، بسیاری از قیمت‌ها هم در مرحله متوسطی قرار دارد و بسیاری از اجناس هم قیمتشان نزول یافته است.

در مجموع ارزیابی رشد نرخ‌ها به این صورت بوده است که در سال 7،65/23 یعنی 23 درصد تورم را در مورد تعدادی از کالاها اطلاق می‌نمایند که البته این رقم را بانک مرکزی با مقیاس قرار دادن قیمت تعدادی از کالاها اعلام می‌کند. در این میان ممکن است بعضی از آنها به میزان 100 درصد گران شده باشد و بعضی‌ها به میزان 5 درصد و یا بعضی‌ها هم اصلاً افزایش نداشته باشد. همچنین در سال 66 هم نرخ تورم 7/27 درصد بوده که رقم بالایی است. در سال 67، 89/28 درصد که نزدیک 29 درصد می‌باشد. در سال 68، 25/17 درصد یعنی نزدیک 11، 12 درصد پائین تر از سال گذشته که باز هم مجموعه کالاهایی که مردم مصرف می‌کنند 17 درصد گران شده است.

3/6/1369

22- مشکل حمل و نقل

الآن بسیاری از محصولات و کالاهای موردنیاز مردم در کارخانه‌ها، بنادر و انبارهای مزارع وجود دارد که وسیله‌ای برای آن که ما اینها را به بازار مصرف برسانیم نداریم. چند تا از کارخانه‌های سیمان ما در تولیدشان مشکل دارند. چون انبارها پر شده و آسیاب‌ها نمی‌توانند کار کنند که ما آمدم و بعضی‌ها را آزاد کردیم و گفتیم مردم خودشان بردارند بروند با این که سیمان کم داریم و سهمیه‌ای است گفتیم اینها را آزاد کنند. مثل ارومیه و یک مقداری در تهران. گفتیم حدود 400 هزار تن الان ما گندم در مزارع خریدیم و در آنجاها جمع شده است که می‌خواهیم به سیلوها برسانیم ولی مشکل حمل و نقل داریم. کارخانه شیشه قزوین را شنیدید که موقع زلزله حدود 100 میلیون تومان یا بیشتر از شیشه‌هایش شکست. ما به عنوان یک تخلف این قضیه را تعقیب کردیم و به آخرین نتیجه‌ای که رسیدیم این بود که حمل و نقل نتوانسته بود این شیشه را به نوبت برساند. حواله صادر شده بود. مردم در انتظار شیشه‌ها بودند ولی نتوانستند از کارخانه به شهرها برسانند. البته عذر حمل و نقل هم این بود که لاستیک به موقع به او ندادند. عذر لاستیک هم این بود که ما ارز نداشتیم که لاستیک بیاوریم. یعنی مجموعه رسید به اینجا که کمبود تولید بود و ما لاستیک را به موقع نرسانده بودیم. شیشه‌ها در کارخانه به این شکل خرد شد. همین حالا حدود یک میلیون و نیم تن کالا در بنادر و در کشتی‌ها مانده که حمل و نقل مشکل دارد.

3/6/1369

23 - بانکهای خالی

بسیاری از نقدینگی‌های شناور در دست مردم، جمع‌آوری و به سمت تولید هدایت و یا در سیستم بانکی متمرکز شد. معلوم شد که موجودی بانکها افزایش یافته است. علی‌رغم اینکه مردم پول خود را در خانه خود نگهداری و یا میان دست‌ها گردش می‌کرد، به بانکها اعتماد کرده و آنها را تحویل بانکها دادند.

حجم مسکوک و اسکناس در دست مردم پائین آمده است. از خطرناکترین موارد در اقتصاد این است که حجم مسکوک و اسکناس نزد مردم زیاد باشد. همچنین نرخ تورم که از رشد شتابانی برخوردار بود هر سال اینگونه بود که پیش‌بینی می‌کردیم اینقدر درآمد، اینقدر هزینه و وقتی اواخر سال می‌شد می‌دیدیم که درآمدها تحقق پیدا نکرده و هزینه‌ها انجام شده و با چنین وضعیتی به مجلس می‌رفتیم و درخواست می‌کردیم که از بانکها قرض بگیریم. امسال برای اولین بار است که حرکت معکوس شده و آن مقدار که بنا بود قرض کنیم، قرض نکردیم.

9/8/1369

24- طرح های نیمه تمام

خیلی از امکانات و مراکز خراب شده که بلااستفاده مانده است و در واقع عدم النفع آنها برعهده ما است. وقتی که جنگ خاتمه یافت، مبلغ 500 میلیارد تومان طرح نیمه تمام داشتیم که به تأخیر افتاده بود و به مرحله بهره‌برداری رساندن آنها کار بسیار دشواری بود. البته همه این طرح‌ها به خاطر طولانی شدن دوران ساختش، هزینه‌شان به چند برابر رسیده است. مثلاً فولاد مبارکه‌ای که اول حدود 30 میلیارد تومان برایش در نظر گرفته بودند، الآن ما حدود 80 میلیارد تومان باید خرج آن کنیم تا کارش به پایان برسد.

14/3/1370

25- مشکلات را به حساب جنگ نگذاریم

این تناسب در اکثر طرح‌های صنعتی، اقتصادی مشهود است. کارهای انجام نشده‌ای را در دسترس داریم که به این وضع باقی مانده است که این بدترین و مخفی‌ترین فصل مربوط به مشکلات است.

ما در این 7-8 سال اقدامی در جهت خرید کامیون به عمل نیاوردیم و یا کم خریدیم. باید اقدام به خرید کامیون نماییم. اتوبوس نیز نخریده‌ایم. باید بخریم. واگن راه آهن نخریده‌ایم. باید بخریم. راه‌هایمان را مرمت ننمودیم که باید مبادرت به این امر نماییم. بندرهایمان هم آسیب دیده که باید نسبت به اصلاح آن اقدام کنیم و یا این که بندرهایمان آسیب دیده که باید آنها را ترمیم نماییم. همچنین نیروگاه نساختیم. کم ساختیم و به تبع آن با خاموشی مواجه هستیم. سد نساختیم که آب‌هایمان در حال هرز رفتن هستند و باید سد بسازیم. پالایشگاه نساختیم که الآن باید وارد کنیم. برای شهرهای کشور فاضلاب نساختیم که تمامی آنها در این رابطه مشکل دارند. نتوانستیم به شهرها آب برسانیم که بسیاری از شهرهای کشورمان در حال حاضر با مشکل کم‌آبی مواجه‌اند. به کشاورزی به اندازه کافی بها ندادیم. کشاورزان کمبود تراکتور و کمباین دارند و به همین دلیل گاهی اوقات محصول از روی زمین برداشت نمی‌شود. همچنین وضعیت حمل و نقل‌مان به آن مرحله از ضعف رسیده است که به میزان دو میلیون تن از بارها و وسایلمان در دریا معطل مانده و لذا کارخانه‌ها و انبارها منتظر رسیدن این وسایل هستند که همه این مسائل در ارتباط با جنگ می‌باشد. همه این مسائل چیزهایی است که ما باید اکنون اقدام به انجام آنها کنیم و به حساب جنگ هم نمی‌توانیم بگذاریم مثلاً ما نیروگاه نساختیم چون پولش را در آن زمان نتوانستیم فراهم سازیم ولی حالا باید با تعجیل نسبت به ساخت آنها اقدام کنیم. الآن به جای این که سالانه برای تولید دو هزار مگاوات برق نیروگاه بسازیم، ما باید برای تولید 5 هزار یا 7 هزار مگاوات برق قرارداد ساخت نیروگاه را دنبال کنیم. از طرف دیگر انبارها در زمان جنگ تقریباً خالی شده بود و باید این انبارها شارژ شود. زمانی که ما کار در کارخانه‌ها را شروع کردیم، کارخانه‌ها هیچ گونه مواد اولیه‌ای در انبارهایشان موجود نداشتند. قطعات ماشین‌ها مستهلک و فرسوده شده که باید کاملاً تعویض گردد. قالب‌های کارخانجات باید عوض بشود در طول 10 سال گذشته تمام اینها به طور راکد به سر می‌پرند و باید اینها را مجدداً تأمین نماییم. مسکن عقب مانده چون که ما هیچ گونه مصالحی در دسترس نداشتیم که اقدام به احداث مسکن نماییم. در این زمینه عقب ماندگی زیادی وجود دارد. همه این مشکلاتی که عرض کردم و همه آنها با استناد به آمار و ارقام است که کسی هم نمی‌تواند بر روی صحت و سقم آنها به خود شک و تردید روا بدارد.

4/3/1370

26- عبور از اقتصاد متمرکز

یکی از مشکلات جدی کشور مان در ساختار اقتصادی که حالا که می‌خواهیم از اقتصاد متمرکز عبور کنیم و به طرف اقتصاد متعادل زمان صلح برویم، یک مشکلات بسیار جدی داریم منجمه قیمت‌های بعضی از کالاهای دولتی است. در زمان جنگ خطرناک بود و این کارها را نکردند و یا نخواستند بکنند، اما الآن ببینیم می‌توانیم اینها را اینجوری تحمل کنیم یا نه. شما فکر می‌کنید

گازوئیل چه قیمتی دارد و دولت چطوری به مردم می‌دهد، اولاً مال چه کسی است و ببینیم که با عدالت سازگار است یا نه. ما نفت کوره را لیتری یک ریال و نیم می‌دادیم، شما می‌توانید خاک بیابان را این مقدار تحویل دهید؟ خوب این آتش زدن به کشور است. این اداره کردن کشور که نیست. البته یک کسی که به فکر خودش باشد شاید این کار را بکند اما اگر من به فکر باشم که آینده این مردم باید درست شود و باید اقتصاد درست شود و مردم به اندازه‌ای که حقشان است بهره‌برند، این را خیانت می‌دانم.

22/4/1370

27- سالها بد عمل کردیم

البته به علت این که سالها بد عمل کرده‌ایم نمی‌توانیم یک دفعه شوک وارد کنیم. از طرفی در کشور کاری باب شده بود که کامیون‌هایی بودند که به پمپ بنزین‌ها می‌رفتند و گازوئیل می‌زدند و به شوفازدارها می‌دادند چون چهار ریال می‌خریدند و 10 ریال می‌فروختند. کارشان این بود، خب این فساد را چه کسی قبول دارد. ما چای شمال را ارزان می‌خریدیم، نه چاپیکار سود می‌برد و نه کارخانه‌چای خشک کنی سود می‌برد، بلکه همه ضرر می‌کردند. نتیجه آن این شد که حدود 10 هزار هکتار از اراضی با ارزش چای کاری ما از مدار خارج شد و بنا شد که چای وارد کنیم. ما مشکلات بسیار جدی در این نحوه قیمت‌گذاری داریم. مس را کیلویی 25 تومان می‌دادیم و مسگر می‌خرید و چند چکش روی آن می‌زد و آن را به قراضه تبدیل می‌کرد و از کشور خارج می‌نمود و سه دلار می‌فروخت.

سه دلار با 25 تومان چقدر فاصله دارد و همه به قاچاق افتاده بودند. هی می‌گویند سهمیه‌بندی، خب شما دیدید که در دوره سهمیه‌بندی چه شد. ما سهمیه می‌دادیم ولی سر از بازار آزاد احتکار در می‌آورد. اکنون اکثر محصولات داخلی کشور دیگر دو بازاری نیست.

22/4/1370

28- استقراض

گفتم در خارج حدود 12 میلیارد دلار تعهد ارزی داشتیم که اینها خریدهای نسبی و گشایش اعتبارات بود و بدهی به بانک مرکزی در طول این مدت که عراق از بیرون قرض می‌کرد. ما مخارجمان را از بانک مرکزی می‌گرفتیم و هر سال کسر بودجه تا این که جمع و رقم وحشتناکی شد. مثلاً صندوق‌های بازنشستگی بسیار در طول سال‌های چند آنطور که لازم است به آنها پرداخته شود، توجه نشد و ترفیعاتی که نیروهای نظامی باید می‌گرفتند نگرفته بودند و طلبکار بودند. خیلی از فوق‌العاده‌هایی که باید نظامیان می‌گرفتند نگرفتند و بدهی از این قبیل. مسئله سوم مسئولیتی که نظام در برابر رزمندگان و خانواده‌های آسیبدیده از جنگ داشت. خب این همه شهید و خانواده شهید و خانواده اسیر و اسیر و جانبازان و این همه رزمنده که عمر و جوانی‌شان را در جبهه طی کرده بودند. اینها نوعاً از طبقات محروم روستاها و مردم مستضعف بودند که خب در دوران جنگ حسابی خدمات بسیجی اینها را با مشکلات اقتصادی روبه‌رو کرده بود.

19/5/1370

29 - بدترین دردها

طرح‌های نیمه تمامی که روی دست دولت مانده بود، شاید بدترین دردها بود. کسی هم احساس نمی‌کند آن روز محاسبه کردیم دیدیم حدود 500 میلیارد تومان طرح نیمه ساخته روی دست دولت و ملت جمهوری اسلامی ایران مانده ممکن است بعضی‌ها بگویند طرح نیمه تمام حالا باشد این خودش ثروتی است بله این مقدار نعمتی است ولی وضع تأخیر یک مصیبت و مشکل غیرقابل تحملی است. من حالا عرض می‌کنم، اولاً رقم 500 میلیارد تومان بدانید با بودجه عمرانی که ما آن زمان داشتیم یعنی حدود شش برابر بودجه یکسال ما. یعنی به اندازه شش سال که ما بودجه بریزیم این طرح‌ها را می‌توانستیم در برنامه عمرانی قرار دهیم. تا خبر طرح یعنی چه؟

مثلاً فولاد مبارکه که یکی از طرح‌های ما بود. اگر در زمان خودش این طرح اجرا می‌شد و در زمان خودش محصولش به بازار می‌آمد بسیاری از مشکلات را برطرف می‌کرد مثلاً ورق آهن، یعنی حدود دو میلیون تن ورق آهن که الان مصرف ما در کشور خیلی کمتر از این است. تأخیر در پایان این طرح یعنی این. آن روزها حدود 30 میلیارد تومان هزینه آن بود. ولی حالا حدود 80 میلیارد تومان شده و این تأخیر یعنی سه برابر شدن هزینه‌ها. شما اگر خودتان احداث خانه‌ای را در سال 62 شروع کرده باشید و روی دست شما مانده باشد و خرده خرده ساخته باشید تا به حال می‌فهمید که تفاوت قیمت یعنی چی یعنی آن سال، چند تمام می‌شد و امسال برای شما چند تمام می‌شود. انتظار نیروها و تورمی که ایجاد می‌کند. چون این طرح‌ها دائماً پول می‌خورد بدون اینکه محصولی به ما بدهد. ما 500 میلیارد تومان اینگونه طرح‌ها را داشتیم، پتروشیمی بندر امام، نیروگاه بوشهر و شهید رجایی و چوب و کاغذ مازندران و راه‌آهن بافق - بندرعباس اینها طرح‌های بزرگ است و طرح‌های کوچک از این قبیل مانند سرب و روی زنجان و همه این‌ها برای مملکت حیاتی و چیزهایی بود که ضرورت زندگی بود.

19/5/1370

30 - عقب ماندگی

عقب‌ماندگی در امکانات زیربنایی بود که این ده سال یک مشکل بسیار سنگین و غیرقابل تحملی را بر دوش شما مردم گذاشته است و زیاد نیاز به توضیح ندارد. خودتان می‌دانید یعنی مثلاً ما راه‌هایی که نساختیم، راه‌آهن‌هایی که نساختیم، نیروگاه‌هایی که نساختیم، و وسایل حمل و نقلی که نخریدیم، لوله‌کشی آب، گاز و لوله‌کشی‌های دیگر و چیزهایی از این قبیل، جنگل‌ها و مراتع که با نساختن سد در حال از بین رفتن است. شما ببینید از این ناحیه چه اشکالات عظیمی برای مردم فراهم شده است. وقتی آن روز را محاسبه کردیم یک رقم عظیمی را با یک سرعت عمل فوق‌العاده و نیروی انسانی عظیمی را لازم داشتیم تا ما این هفت تا هشت سال را جبران کنیم و به وضع روز برسیم.

19/5/1370

31- 500 شهر راکد

وضع شهرداری‌های کشور، حدود 500 شهر در کشور هست که نتوانستند خودشان را به روز برسانند خیابان‌ها، میادین، پارک‌ها، آب، برق و... خب در تهران زندگی می‌کنید و وضع شهر را می‌دیدید شهرهای دیگر از اینجا بدتر بود. باز قدری به تهران رسیدگی می‌شد 500 شهر راکد و 10 سال عقب مانده که همه چیزشان عقب بود. از سینما، ورزشگاه و از کتابخانه از آب و برق و... و آن چیزی که وسیله ضروری زندگی است عقب و راکد مانده به اضافه این‌که ماشین‌آلات اینها به جبهه رفته بود. شهرداری‌ها از ما مطالبات ماشین‌آلات می‌کنند که ما باید به آنها بدهیم چراکه مال مردم است و از عوارض گرفته شده است.

0731/5/91

32- افت تولید

مشکل بعدی ما که باز از اینها مشکل‌تر است افت تولید است. تولید در کشور بشدت نزول کرده بود، بعد از انقلاب ما، در آن دو سال اول نتوانستیم تولید را سامان دهیم، مدیریت‌ها بهم خورد، خیلی از مدیران فرار کردند، کارخانه‌ها مصادره شد، سرمایه‌ها را بردند و این ده سال افت تولید جیب مردم را خالی کرد. من فقط یک رقم را می‌گویم و شما می‌توانید بفهمید معنای تولید یعنی چه؟ تولید ناخالص ملی یکی از شاخص‌های اساسی رونق اقتصادی کشور است که می‌گویند این مقدار تولید در کشور بوده و قبل از انقلاب هم مطلوب نبوده و بعد از انقلاب تا این مدت به این شکل درآمد، وضع تولید ناخالص اینطوری شده که اگر یک نفر ایرانی از مجموعه تولیدات کشور، مثلاً 40 هزار تومان سهمش می‌شده، در سال 67 که ما برنامه را بررسی کردیم، 20 هزار تومان سهم می‌برد. حتماً معنای این را درک می‌کنید و دو دلیل هم داشت یکی اینکه تولید کم شده و یکی جمعیت زیاد شده بود.

19/5/1370

33- فقر مضاعف

سهام سرانه ما از تولید در سال 67، 23 هزار ریال بود که در اوج خوبی آن نزدیک به 40 هزار تومان بوده است، یعنی 53 درصد ما داشتیم و هر ایرانی در این دوران 50 درصد فقیر شده بود. فقر واقعی یعنی این و بقیه چیزها را آدم نمی‌فهمد. حالا خانه‌اش، فرشش، غذایش چطوری است، اینها را هر کسی می‌تواند در معیارهای اقتصادی تحمل کند و مسائل خاص خودش را دارد. اما فقر واقعی در اقتصاد کشور یعنی کم شدن تولید سرانه و ما دچار این مصیبت شده بودیم یعنی جامعه ایرانی را وقتی محاسبه کردیم درآمد هر فردش در مجموع تولیدات کشور تقریباً نزدیک 50 درصد کم شده بود که این فقر را خیال می‌کنیم که با فشارها و تقسیم‌ها و سهمیه‌بندی‌ها و امثال اینها بتوانیم جبران کنیم که فقر جبران نمی‌شود. اگر دولت موفق باشد فقر را می‌تواند به صورت صحیح بین افراد تقسیم کند.

اگر نظام توزیع درست باشد، هنرش این است که این فقر را تقسیم کند و همه کم بخورند، کم بپوشند که ما این کار را نتوانستیم انجام دهیم. شما در زمان جنگ دیدید که یک عده زالوصفت ماندند و نه در جنگ شرکت کردند و رفتند در بازار سیاه و از این چند نفری‌ها استفاده کردند و آنها هم این فقر را نسبت به طبقه مستضعف قوی‌تر کردند. بنابراین طبقه مستضعف ما فقر مضاعف داشت.

19/5/1370

34- مرض خطرناک

در کشوری که تولید نیست، سرمایه‌گذاری هم نیست یکی از ارقامی که خیلی سقوط کرده بود سرمایه‌گذاری بود بخش خصوصی سرمایه‌گذاری جدی نمی‌کرد و دولت هم چیزی نداشت، لذا بیکاری بود، این مشکل بیکاری یک مرض بسیار خطرناکی است که عوارض آن در جاهای دیگر مشخص می‌شود.

کارهای دلالی رشد می‌کند که خودش ضرر دارد. کارهای دست فروشی و تکراری، یک کالا به جای این‌که از مزرعه بیاید و به دست مصرف‌کننده برسد در این میان چند نفر نانخور پیدا می‌کند تا به دست مردم برسد. یکی با فروش آدامس خودش را سیر می‌کند، یکی با فروش سیگار، یکی با فروش یک تکه یخ خودش را سیر می‌کند، دیگری با فروش دستمالی که از این مغازه می‌گیرد و در خیابان می‌فروشد خودش را سیر می‌کند، خب این که کار نیست، اینها تحمل کردن مخارج اضافی بر مصرف‌کننده است. قاچاق به همین دلیل رشد پیدا کرد حال آنهایی که به دنبال قاچاق می‌رفتند، سرانشان فاسد و پولپرست بودند اما عوامل اینها مردم مستأصلی بودند که زندگی اینها را به قاچاق می‌رساند و این هم مشکل جدی دیگر.

19/5/1370

35- مقررات دست و پاگیر

ما دچار یک تمرکز کمرشکن اداری شده بودیم که به خاطر سهمیه کردن کالا و انحصاری کردن صادرات و واردات، زندگی اقتصادی، دست دولت باید در همه جا باشد و دائماً برای این‌که مأموران را حفظ کنیم، قانون و آئین‌نامه و تعزیرات گذرانیم. آنقدر قانون حفاظت‌کننده برای حفظ این تمرکز گذاشته‌ایم که حالا وقتی می‌خواهیم چیزی را اصلاح کنیم می‌بینیم که یک کتاب آئین‌نامه و قانون داریم، ما می‌خواستیم صادرات را تسریع کنیم می‌دیدیم یک نفر آدم صادراتچی حدود 70 تا 80 جا باید مراجعه کند. وقتی جنسی از خارج وارد می‌شود برای آزاد کردن آن از گمرک گاهی آنقدر این مقررات طول می‌کشد که جنس در گمرک به صورت کالای متروکه درمی‌آید و یا فاسد می‌شود. و دلالی در این وسط بوجود آمده به عنوان یک حرفه پیچیده فنی که چگونه آزاد کند و چگونه صادر نماید و این تمرکز آنقدر مشکل و دست و پاگیر است که شاید تا به حال دهها مورد آن را در این لنگرگاه‌ها و جاهای حساس حل کردیم ولی باز می‌بینیم هنوز دست و پای ملت بسته است.

19/5/1370

36- فرسودگی کارخانه‌ها

مشکل مهم دیگری که ما گرفتار آن بودیم و هنوز هم حل نشده و در بعضی از جاها مشکل خاصی داریم، فرسودگی کارخانجات ماست. خوب این کارخانجاتی که حالا کار می‌کند نوعاً چیزهایی هستند که در سال‌های 50 تا 60 تهیه شده بودند. اینها هم کهنه هستند و هم قدیمی‌اند و هم نمی‌توانند با کارخانه‌های جدیدی که در دنیا هست رقابت کنند و هم قطعات یدکی ندارند و این مشکل، کارخانه را از بازدهی مناسب می‌اندازد. در کنار این مسئله خالی بودن انبارها مشکل دیگری بود. یعنی مواد اولیه ندارد و اگر امروز کار کند نمی‌داند که فردا چه خواهد شد.

19/5/1370

37- وابستگی به یارانه‌ها

مشکل دیگر، مشکل وابستگی شدید مردم ما به سوپسید و هزینه دولت بود عمده زندگی مردم اعم از نانشان، قندشان، چایشان و گوشتشان و شکر و روغن نباتی وابسته به کمک دولت شده بود. شما ببینید اکنون در هیچ کجای دنیا اینطوری نیست و هیچ کشوری حتی کمونیست‌ها هم اینطوری عمل نمی‌کردند. خوب یک جامعه اقتصادی از لحاظ اصولی فنی دستش و چشمش به دست دولت باشد که سر ماه یک کیلو شکر و مرغ بدهد و اگر ندهد زندگی او فلج است. زندگی سوپسیدی، زندگی کوپنی اصلاً حرکت را در جامعه کند کرد و به ناچار این را انتخاب کردیم، تنها دوايي بود که می‌توانستیم در آن شرایط به مردم بدهیم. و این هنوز روی دستمان مانده و برای حل آن مشکل داریم و آسان نیست که یک دفعه حمایت دولت را برداریم و بنا هم نداریم تا این کار را انجام دهیم.

19/5/1370

38- ناتوانی از رسیدگی به محرومان

مشکل دیگر، محرومیت شدید بخش‌های محروم کشور بود. یکی از آرزوهای ما، در انقلاب این بود که به محروم‌ها برسیم و این فاصله‌ها را کم کنیم. نزدیک 50 درصد جامعه ما یعنی بخش‌های کشور ما محروم هستند یعنی از استانداردی که ما، در شهرها از آن برخورداریم، آنها برخوردار نیستند مثل آب، برق، آموزش، بهداشت، راه و کار و امثال اینها، خب این درد که از زمان شاه مانده بود و ما امید اصلاح آن را داشتیم و در این مدت هم به مردم وعده داده بودیم نتوانستیم به نقاط محروم برسیم، گرچه همه تلاش دولت و مجلس این بود که یک مقداری که داریم به نقاط محروم برسانیم ولی این مقدار ناچیز که آنها را غنی نمی‌کرد.

19/5/1370

39 - نفت ما را نمی‌خریدند

مشکل دیگر، ادامه محاصره بود، علی‌رغم اظهاراتی که می‌شد ما از محاصره بیرون نیامده بودیم، و هنوز هم بیرون نیامده‌ایم. و در محاصره هستیم و تا به حال کسی هم کمک درستی به ما نکرده است. آنهایی که باید از ما نفت می‌خریدند نمی‌خریدند، آنکه باید جنس صادراتی ما را بخرند نمی‌خریدند، ما تقریباً همان محاصره زمان جنگ را داشتیم و هنوز هم خیلی از آنها را داریم. آلمان به قراردادش در مورد اتمام نیروگاه بوشهر عمل نمی‌کند، نیروگاهی که ما 85 درصد مخارج آن را پرداخته‌ایم. امریکا هنوز حاضر نیست پول‌های ما را بپردازد. این‌که فرانسه پول ما را نپرداخته، این‌که ژاپن حاضر نشد پتروشیمی که تا 90 درصد آن تمام شده را تکمیل کند، اینها سندهای جدی محاصره ماست. و بر همه اینها مشکلات و حوادث عجیبی که ما داشتیم از قبیل زلزله، سیل و آوارگان عراقی و امثال اینها که اضافه شد اینها در محاسبات آن زمان نبود.

19/5/1370

40- شاخص‌ها بدتر شد

شاخص‌ها در سال 67 بدتر شد چون مردم توقعات بعد از جنگ پیدا کردند، دولت درآمد بعد از جنگ پیدا نکرد و مخارج جنگ هم مانده بود و خیلی از مشکلات مثل دردهای خاصی که تا گرم است خودش را نشان نمی‌دهد در بقیه سال 67 خودش را

نشان داد که حال آثار آن را شما مشاهده می‌کنید. ما بیشترین کسر بودجه را در سال 67 پیدا کردیم، در سال‌های قبل کسر بودجه به این نسبت نبود، نصف بودجه ما در سال 67 کسری داشت. $1/50$ درصد رشد کسری بودجه ما، از حدود 400 میلیارد تومانی که ما خرج کردیم حدود یکصد میلیاردش را از بانک قرض کردیم، خب این نتیجه همان چند ماهی بود که بعد از جنگ با آن شرایط گرفتار شدیم و این تورم ما بود. آن تولید ناخالص را برای شما گفتیم، مقایسه عملکرد بودجه عمرانی ما بودجه جاری بسیار اسفانگیز است. در سال 67 به قیمت ثابت ما حدود 30 میلیارد تومان البته در بودجه رقم بیشتر بود ولی قیمت ثابت را عرض می‌کنم خرج کردیم ولی بودجه جاری آن رقم هنگفت بود که حدود پنج برابر و نیم بودجه جاری از بودجه عمرانی ما بیشتر بود و این مصیبت است یعنی یک کشور در حال ساخت اگر یک چنین وضعیتی داشته باشد یعنی ورشکستگی یعنی هیچ. این مبلغ یعنی نکه داشتن همان طرح‌های در جا و هیچ چیزی پیش نرود و این وضع ما بود. ما با توجه به این وضع کشور، سیاست‌هایی را ترسیم کردیم، راه‌های پیدا کردن امکانات جدید و در آمدن از این تنگناها. من یک مطلبی از مسئله تورم را دیدم و آمدم که برای شما بخوانم و ببینید که سیر تورم در سال 53 تاکنون که به عنوان ارقام رسمی کشور تلقی می‌شود، در سال 53 تورم شدید شروع شده موقعی که نفت ما دفعاتاً گران شده و آن مسائل خاص بوجود آمده بود. $50/15$ درصد میزان تورم در سال 53 بود، در سال 54 این رقم $9/9$ درصد، در سال پنجاه و پنج $4/16$ درصد، در سال پنجاه و شش $9/24$ درصد، در سال پنجاه و هفت که انقلاب به وقوع پیوست و تا حدودی هم روحیه انقلابی حاکم شد و قیمت‌ها ارزان شده بود $9/9$ درصد یعنی حدود 10 درصد تورم در آن سال نمایان شد، در سال پنجاه و هشت $2/11$ درصد که دوباره رو به رشد نهاده، در سال پنجاه و نه $5/23$ درصد که جنگ نیز همزمان آغاز شد که یک دفعه به بالا کشید. در سال‌های 60 و 61، 23 درصد و $1/19$ که سه درصد فروکش نمود چراکه قیمت نفت تا حدودی گران‌تر شده بود و ما هم اقدام به صدور نفت نموده بودیم. در مقابل مقداری هم واردات داشتیم که اینها مؤثر بود، در سال شصت و دو $7/14$ درصد و در سال شصت و سه $10/10$ درصد مجدداً باز هم تعدیل یافت، در سال 64 بهترین سال ما بود که در آن سال ارز ما زیاد شده بود و به کارخانه‌ها ارز واگذار نمودیم، همانند سال گذشته که تولید بالا رفت و به میزان $5/6$ درصد رسید. دوباره از سال 65 افزایش یافت یعنی در سال 65 به $6/23$ درصد رسید، در سال 66 به $8/27$ درصد رسید که خیلی رشد داشته است. سال 67 به $9/28$ درصد و آخرین سالی بود که مربوط به دوران پیش از برنامه بوده است.

19/5/1370